

کلامِ جدید

جلسہ سی و چہارم: ہرمنوتیک - قسمت چہار دہم

استاد احسان عبادی

تایپ و تنظیم:
محمد جواد اسماعیلی

۱۳۹۸

در جلسه سی و چهارم با موضوعات زیر آشنا خواهید شد:

■ اهمیت هرمنوتیک در مباحث اسلامی

■ علوم اسلامی مرتبط با هرمنوتیک

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السلام عليك يا مولانا يا صاحب العصر و الزمان، السلام عليك يا بقيه الله في ارضه.

خدایا ، در این لحظه و در تمام لحظات ، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات ، حضرت حجّة بن الحسن ، که درودهای تو بر او و بر پدرانش باد ، باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست ، و همه از او فرمانبری می نمایند ، ساکن زمین گردانیده ، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی.

در مباحث هرمنوتیک ما تقریبا هرمنوتیک در ابعاد مختلف را عرض کردیم. آن چه که مهم بود هرمنوتیک فلسفی بود که از هایدگر و گادامر نشئت می گرفت و به هر حال توانستیم کلیات مبانی آن ها را بگوییم و بعد مبانی آن ها را نقد کنیم.

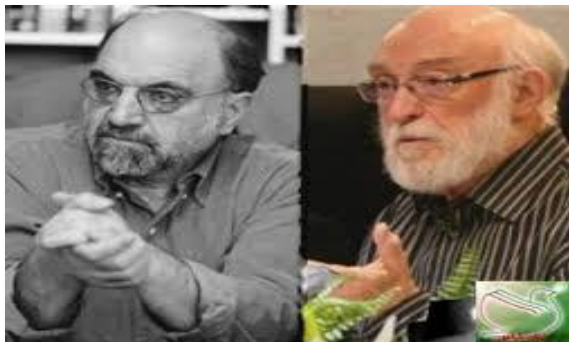
اهمیت هرمنوتیک در مباحث اسلامی



در علوم اسلامی دیدگاه هایی که شبیه هرمنوتیک فلسفی یعنی هایدگر و گادامر باشد تقریبا نداریم، مگر این که عده ای مانند نصر ابوحامد ابوزید و شبستری و سروش آن تفکرات را دارند که کاری نداریم. در حالت کلی بین دانشمندان اسلامی چنین تفکری نداریم.

اندیشه هایی که علمای اسلام دارند شبیه هرمنوتیک کلاسیک آقای شلایرماخر و هرمنوتیک نئوکلاسیک است. البته با آن ها اختلافاتی دارد اما یک مقدار شبیه به آن هاست. از آن طرف هم علم هرمنوتیک باعث می شود مباحث جدید و چالش انگیزی در اسلام مطرح شود. یک عده ای امثال سروش آمدند و گفتند فهم ها ثابت نیست، تاریخ مند

است و مفسر باید کار خودش را انجام دهد، و همین موضوعات باعث شد یک سری نظریات کاملاً شاز و غلطی را راجب اسلام مطرح کنند تا جایی که برخی از مبانی اسلام مانند بحث حجاب را زمان‌مند می‌دانند، و یا مباحثی مانند نماز را هم به همین منوال می‌دانند. می‌گویند نماز می‌خوانیم اما نماز ممکن است در گذر زمان تغییر کند.



محمد مجتهد شبستری – عبدالکریم سروش



نصر ابوحامدزید

ما می‌خواهیم در مورد اهمیت هرمنوتیک در مباحث اسلامی صحبت کنیم. یکی از دلایلی که این بحث مهم شده متن محوری منابع دینی ماست. هم کتاب ما که قرآن است و هم سنت ما که احادیث هستند هر دو متون هستند. چون هرمنوتیک هم بر مبنای متن بود، پس تغییر و تحولاتی که در ذهن متفکرین و مفسرین رخ می‌دهد ممکن است در برداشتها و فهم‌ها هم تفاوت پیدا کند. البته به خودی خود این که انسان نظرش تغییر کند چیز بدی نیست و امروزه شما می‌بینید خیلی از مواقع فتوای مراجع و علمای ما تغییر می‌کند. این به خودی خود چیز بدی نیست. گفتیم در قالب یک چهارچوب باشد اشکال خاصی ندارد، اما از وقتی است این چهارچوب کنار برود و بی و پیکر شود و هر کسی نظریه‌ای را بنا کند.

هرمنوتیک فلسفی حوزه تفکرات اسلام را کمی تحت تاثیر خودش قرار می‌دهد. افرادی که طرفدار هرمنوتیک فلسفی هستند. در هرمنوتیک فلسفی گفتیم مفسر مولف را کنار بگذارد. یعنی من که می‌خواهم قرآن را تفسیر کنم خدا را کنار بگذارم. حتی نظرات پیامبر را هم کنار بگذارم و خودم با عقل خودم با فکر خودم قرآن را تفسیر کنم. هرمنوتیک فلسفی به متن‌های حقوقی یا امثالهم کار ندارد، بلکه به همه متن‌ها از جمله متون دینی، مباحثی مانند معرفت دینی، فهم دینی و ... کار دارد و به همین جهت در این جا هم جلو می‌آید و خودش را نشان می‌دهد. از آن طرف هم گفتیم مباحث هرمنوتیک ابتدا در مسیحیت مطرح شد، اما از آن جایی که سه دین اسلام، مسیحیت و یهودیت به ادیان ابراهیمی معروف هستند، پس وقتی در مسیحیت این تفکر شکل می‌گیرد ناگزیر در اسلام هم نقش خودش را بروز می‌دهد، چون آن جا هم بحث کلام الهی پیش می‌آید. به همین خاطر هرمنوتیک فلسفی در این جا

جلو می‌آید و نظرات علما و بزرگان را ممکن است به چالش بکشد. البته چالشی غیرمنصفانه و غیرعلمی، و گرنه هر چالشی که واقعی نیست.

در حقیقت هرمنوتیک فلسفی نه تنها در مباحث دینی بلکه در موضوعات دیگر هم ویرانی به بار آورد. ما بخواهیم در هر موضوعی تفسیر کنیم باید پایبند به یک سری اصول باشیم. ما نمی‌توانیم قرآن را طوری تفسیر کنیم که بگوییم خدا نعوذ بالله دوتاست، بلکه محتوا و قاعده ثابت است. شما اگر بخواهید قرآن را تفسیر کنید باید بر این مبنا انجام دهید که خدا یکی است و ثابت است. شما در هر رشته‌ای بخواهید تفسیر کنید باید قوائد را رعایت کنید و این کار طبیعی است، اما هرمنوتیک فلسفی همه این‌ها را به هم ریخته و این قابل قبول نیست.

هرمنوتیک فلسفی باعث می‌شود نسبیت‌گرایی و قرائت‌های مختلف از دین فراوان شود. به همین جهت عده‌ای در کشور ما به ویژه در دهه ۷۰ و بعد از آن مخصوصاً از زمان آقای خاتمی در کشور، مطالب متعددی در برابر هرمنوتیک منتشر شد. یک سری نظرات جدید و مطالب جدید راجب قرآن و راجب حکم قصاص بیان شد. به همین جهت آیت‌الله مصباح یزدی در خطبه‌های نماز جمعه از حکم قصاص دفاع کرد و افراد نامرد علیه ایشان کاریکاتور آیت‌الله تمساح را چاپ کردند. این مطالب را پخش کردند. حضرت آقا در آن زمان هشدارهایی دادند. چاپ این مطالب باعث شد آثار آن پخش شود. آثار به راحتی حتی اگر شما به شهر کتاب بروید می‌بینید یکی از کتاب‌ها به عنوان هرمنوتیک کتاب و سنت نوشته آقای محمد مجتهد شبستری است. کتاب قبض و بسط تئوریک شریعت نوشته عبدالکریم سروش و ... که اسلام را با نگاه هرمنوتیک فلسفی تفسیر کردند. این دو اثر اگرچه توانستند در طرح مباحث جدید طرح متون و بیان قوائد هرمنوتیک خودشان را جلو ببرند اما واقعا در ارائه یک فهم اسلامی ضعیف بودند. فهمی که آن‌ها از دین کردند فهم دینی نبود.

مجتهد شبستری با اعتراف تاثیرپذیری که از هرمنوتیک فلسفی گرفته صراحتاً می‌گوید: تعدد قرائت‌ها از یک متن تنها بعد از به وجود آمدن هرمنوتیک فلسفی معنا پیدا کرده و امروز تاویل و تفسیر متون دینی بدون توجه به مباحث هرمنوتیک فلسفی قابل قبول نیست و اگر در جهان اسلام صحبت از امکان تعدد قرائت‌ها در متون اسلامی می‌شود منظور نمی‌تواند این باشد که در گذشته متکلمان و عارفان و فیلسوفان قرائت‌های متعدد از قرآن داشتند و امروز هم می‌توانند نظر بدهند. این طور نیست بلکه منظور این است که عالمان دین اسلام باید به مباحث هرمنوتیک فلسفی که جدید است توجه کنند و چون این مباحث نشان می‌دهد که قرائت همه این متون و از جمله متون دینی می‌تواند متعدد و متفاوت باشد می‌توان از متون دین اسلام هم قرائت‌های مختلفی ارائه داد.

یعنی شبستری از تفکر هرمنوتیک فلسفی دفاع کرده و از آن وام گرفته است. منظور او این است که هرمنوتیک فلسفی مانند این نیست که شما بگویید تفسیر آقای جوادی آملی در برخی جاها با تفسیر علامه طباطبایی تفاوت می‌کند. مسئله این نیست بلکه شما باید بر مبنای هرمنوتیک فلسفی قرآن را تفسیر کنید. حتی ممکن است نظرات جدید بدهید که خلاف نظرات علما و دین باشد. خودش می‌گوید: با آمدن هرمنوتیک فلسفی ما دیگر نمی‌توانیم یک معنای واحد و یک معنای مشترک از یک متن پیدا کنیم. هیچ متنی تفسیر منحصر به فرد ندارد و از همه متون، تفسیرها و قرائت‌های متفاوت می‌توان پیدا کرد و هیچ متنی به این معنا نص نیست. نص در مباحث فقیه مطرح می‌شود. می‌گوییم نص قرآن صریحا گفته است. یعنی چیزی که ظاهر است. مثلا آیه اول سوره نور که می‌گوید مرد و زن زناکار را صد ضربه تازیانه بزنید. علنا آیه در این‌جا مشخص است. اما شما می‌خواهید بگویید این‌جا منظور از ۱۰۰ عدد ۹۹ است، یا منظور از صد عدد ۵۰ است. این نص صریح است. مجتهد شبستری مخالفت می‌کند و می‌گوید از هیچ متنی برداشت ثابتی نمی‌توانیم در نظر بگیریم.



اما نقدی که به هایدگر کردیم به او هم می‌کنیم. آقای مجتهد شبستری! شما گفتید از یک متن نمی‌توان یک برداشت واحد کرد. پس از نظریه شما هم می‌توان برداشت‌های متعدد کرد. مگر شما نمی‌گویید مولف مرده است؟ شما حرفتان را زدید و تمام شد. اکنون من می‌خواهم متن شما را طور دیگری تفسیر کنم.

آقای شبستری! می‌گویید از یک متن می‌توان برداشت‌های متعدد کرد. حالا سوال این است کدام متن صحیح است؟ می‌گوید همه متون صحیح است. اما این درست نیست. همه متون نمی‌تواند درست باشد. داور در این بین کیست؟ یک داور تعیین کنید که به من بگوید برداشت من غلط است و برداشت شما صحیح است؟ خود شما حرفی می‌زنید که با هیچ عقل و منطقی جور در نمی‌آید. برخی آیات قرآن خیلی واضح است. من مثلا در کتاب خودم می‌نویسم من ساعت دو به منزل آمدم و یک لیوان آب خنک خوردم. شما از این متن چند برداشت می‌خواهید انجام دهید؟ این متن دیگر خیلی واضح است. دو ضرب در دو می‌شود چهار. از این چند برداشت می‌خواهید انجام دهید؟ چه کسی

گفته از هیچ متنی نمی توان یک برداشت واحد کرد و همه متون برداشت های متعدد دارند؟ حداقل بدیهیات عقلی را زیر سوال نبرید. اما این مطالب آن قدر جذاب است جوانانی از ما که اعتقادات خیلی کاملی ندارند را به سمت خودشان می برند. پس در بحث اهمیت هرمنوتیک در اسلام باید اعتراف کنیم که پذیرش نظریه هرمنوتیک فلسفی که امثال سروش و شبستری در کشور ما مطرح می کنند، ما فاصله چندانی با کنار گذاشتن اصل پیام دین و اصل پیام اسلام نداریم.

علوم اسلامی مرتبط با هرمنوتیک

نکته بعدی علوم اسلامی مرتبط با هرمنوتیک است که کلیات را توضیح می دهیم و جزئیات را انشاء الله در جلسه بعد خواهیم گفت .

هرمنوتیک در جهان اسلام خیلی مطرح نبود اما از مباحث اصلی آن غافل نشد. هرمنوتیک درست هم داریم. هرمنوتیک مانند شلایرماخر که گفت متن را می شود تفسیر کرد اما هم مولف زنده است و نظر مولف را باید در نظر داشت و نکته بعدی این که قوائد و روش دارد و با هر روشی نمی توان تفسیر کرد. پس ما در اسلام چنین چیزی داریم و نمی گوئیم هرمنوتیک باطل است. می گوئیم هرمنوتیک فلسفی باطل است، اما هرمنوتیک در معنا و منظر شلایرماخر و امثالهم را می شود با یک سری مواردی پذیرفت و در اسلام هم بود.

حتی مفسرین ما انواع و اقسام تفسیر دارند. یکی تفسیر از طریق روایات انجام می دهد. یکی تفسیر از طریق آیه به آیه انجام می دهد، مانند تفسیر المیزان. یکی تفسیر از طریق علوم فلسفی و عرفان انجام می دهد مانند آیت الله جوادی آملی. پس ما همه انواع مختلف تفسیر را داریم و هیچ وقت نگفتیم همه تفسیر المیزان را تفسیر کنند، یا همه تفسیر شیخ طوسی را تفسیر کنند. پس ما هم اعتقاد داریم می شود تفاسیر متعدد نسبت به قرآن داشت، اما در تمام این ها چهارچوب رعایت شده است. حتما عزیزان جلسه اول تفسیر تسنیم که بحث آن را گفتیم گوش دهید. آن جا آقای جوادی کامل گفته وقتی شما می خواهید قرآن را تفسیر کنید باید چه لوازمی داشته باشید و چه چهارچوب هایی را حفظ کنید تا تفسیر شما یک تفسیر کاملی شود.

از آن طرف هم نمی توانید بگویید چون در مسیحیت هرمنوتیک ایجاد شد، به همان دلیل در اسلام باید هرمنوتیک ایجاد شود. در مسیحیت اصلا فرد علم را قبول نداشت. در مسیحیت افراد عقل را کنار گذاشته بودند. ولی اسلام

هم علم و هم عقل را قبول دارد. پس شما نمی توانید بگویید هرمنوتیک به همان دلایل باید در اسلام به همان شکل و ظاهر ایجاد شود. برخی ها از این قضایا سوءاستفاده کردند و قطعاً باعث می شود که دین ما هم زیر سوال برود.

پس هرمنوتیک مسیحی را نمی توانیم با هرمنوتیک قرآنی مقایسه کنیم. در علوم اسلامی مرتبط با مباحث هرمنوتیک یک سری مطالبی است در موضوعات مختلف مخصوصاً در علم اصول فقه، علم تفسیر و علم عرفان که مشخص می شود علم هرمنوتیک در کجا ورود پیدا می کند.

پس ما اصل هرمنوتیک را برای تفسیر متن با یک سری اصول و چهارچوب و قوائد خاصی می پذیریم که انشالله در جلسه بعد خدمت شما خواهیم گفت.